



شترق
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۲۹-۳۷ نامبر: ۸۸۹۸۶۸۲۸ تلفن اکیه‌ها: ۲۲-۸۸۹۸۶۸۲۰
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۱۷ اذان مغرب ۱۷:۴۷ اذان صبح فردا ۵:۴۰ طلوع آفتاب ۷:۰۷

نگاه سبز

لطفاً محیط‌بان‌ها را خلع سلاح کنید



محمّد درویش*

Darvish100@gmail.com

- حدود ۱۳۰ محیط‌بان و جنگل‌بان در طول سال‌های

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در حین انجام وظیفه جان‌شان را از دست داده و به شهادت رسیده‌اند؛ اغلب آنها در درگیری مستقیم با متخلفان و عمدا کشته شده‌اند و سهم قابل‌توجهی از آنها، بدن پاک و مطهرشان را پذیرای گلوله‌ای کردند که قرار بوده سینه یک مرال، قسج، میش و نظایر آن را ببرداند و غرق خون کند یا در برابر تیری ایستانند که می‌خواسته جنگلی را از اهالی بی‌آزار و سبزش تهی سازد. اما آن عزیزان جان‌برکف و آن سلحشوران طبیعت ایران، ترجیح دادند تا کل و بزها، گورخرها، یوزها و مرال‌ها و گوزن‌ها همچنان در این سرزمین بخرامند و بلندمازوها، افرها، راش‌ها، سرخدارها و... سرر به آسمان بسایند تا اینکه خود باشند، اما آنها نباشند و فرزندان آنها فقط در کتاب‌های درسی، مجال آن را بیابند تا رد پای عکس ارز‌شمندترین زیستمندان وطن را رهگیری کنند...

در این میان، رخداد غمبار دیگری که چندسالی است بر آلام طرفداران محیط‌زیست در ایران افزوده است، صدور حکم اعدام و زندان برای آن محیط‌بان‌هایی است که در درگیری با متخلفان، بدشانسی آورده و به جای آنکه شهید شوند، متخلف را زخمی یا کشته‌اند و در نتیجه به پرداخت دیه، تحمل زندان و کلبوس‌آویختن از طناب‌دار محکوم شده‌اند. ماجرای اسعد تقی‌زاده، مهدی زارع و غلامحسین خالدی در شمار همین رویدادهای تلخ و شگفت‌انگیز است که البته پیوسته بر شمارشان به طرز نگران‌کننده‌ای هم افزوده می‌شود.

رخدادی که به هر دلیلی؛ تأکید می‌کنم، به هر دلیلی که اتفاق افتاده و منجر به صدور چنین احکامی شده باشد، آشکارا موجودیت طبیعت ایران را بیش‌ازپیش تهدید خواهد کرد و بر جو ناامیدی و بی‌انگیزگی پاسداران طبیعت ایران، خواهد افزود.

چه، تصور کنید در چنین شرایط ناگوار معیشتی که اغلب محیط‌بان‌ها، جنگل‌بان‌ها و قرق‌بان‌ها با آن دست به گریبان هستند، این پیام هم برای آنها مخابره شود که اگر در درگیری با متخلفان و متجاوزان به منابع طبیعی و محیط‌زیست، متوسل به قوه قهریه به عنوان ضابط قضایی شده و خونی از دشمنان طبیعت بر زمین ریخته شده باید هم پول جراحات و نقص عضو متخلف را بپردازند، هم سال‌ها درگیر رقت‌آورد در محاکم قضایی و زندان باشند و هم کلبوس لمس طناب را در نزدیک‌ترین فاصله با گردن، تحمل کنند.

شما به من یگوئید: به راستی در چنین شرایطی چند درصد از این پاسداران طبیعت، حاضرند در مسوولیت‌های خود بمانند و همچنان سلحشورانه و جان بر کف به انجام وظایف خود ادامه دهند؟

آیا آنها در خوشبینانه‌ترین حالت، حق ندارند تا با متجاوز، شکارچی و درخت‌افکن ساخته یادست‌کم چشم بر تخلفات ببرندند و به‌این‌ترتیب، جان‌شان را بیمه کنند؟ این، آن پیام خطرناکی است که لکنت‌های آموزشی، ضعف فرهنگی، کم‌کاری واحدهای حقوقی و آموزشی سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور یا هر عامل دیگری که سبب پیدایش این شده، به‌بدترین شکل ممکن منتشرش کرده و گسترش می‌دهد.

به نظرم، در چنین شرایطی بهترین، مؤثرترین و سریع‌ترین راهکار، گرفتن حق استفاده از سلاح از مامورین منابع طبیعی و محیط‌زیست است؛ زیرا در آن صورت، گمان نکم حاصل روی‌روایی ایشان و متخلفان از جهنم خونین کنونی که منجر به مرگ بیش از ۵۰۰ نفر از دو طرف و مجروح و معلول شدن هزاران نفر دیگر شده، فاجعه‌بارتر شودا چه‌سا شکارچیان هم، وقتی دریابند که بازدارندگان‌شان سلاح ندارند از کشتن آنها صرف‌نظر کنند. همچنین، محیط‌بان‌ها و جنگل‌بان‌ها هم با گزارش مابوق به ماموران نیروی انتظامی، پیگیری مسلحانه ماجرا و درگیری‌های احتمالی را به ایشان می‌سپارند و خلاص، همین و تمام!

مخبیر الدوله

مسابقه فوتسال به نفع اهالی «محک»

● مسابقه فوتسال تیم ستارگان موسیقی و سینما با تیم محک سه‌شنبه ۱۰ بهمن‌ماه ساعت ۱۵ با هدف حمایت از کودکان مبتلا به سرطان در سالن ابفا برگزار می‌شود. این مسابقه دارای دو ویژگی خاص است نخست اینکه نتیجه‌از ابتدا مشخص است و هر دو تیم برنده‌های میدان هستند زیرا که نوع‌دوستی و انسانیت را معنا بخشیده‌اند و دیگر اینکه نمایشانی این مسابقه برای تمام اعضای خانواده میسر است.
پلوران گرامی محک با حضور خود در این برنامه ضمن مشاهده یک فعالیت فرهنگی و ورزشی می‌توانید در این‌ امر انسان‌دوستانه مشارکت کنید.
جهت تهیه بلیت و کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۱۳۳۶ ۰۲۳۵۰۰۰۹۳۵۲۰۰ تماس حاصل کنید.

روزنامه شترق

دوشنبه ۹ بهمن ۱۳۹۱ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۳۴ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۳ ۲۰ سال دهم شماره ۱۶۵۹ ۱۶صفحه

روزگار سپری شده

برای دهمین سال درگذشت عارف بالته «حاج اسماعیل دولابی»

یاد بعضی نفرات رزق روحم شده است



سهیل محمودی

از بیست و دو، سه سالگی که با مردی جانانه، یعنی «حاج میرزا اسماعیل دولابی» آشنا شدم، شیفته حال و منش و صفای باطنش بوده‌ام. سالیان دراز با گفتار و رفتار او حالم «خوش» و «خوب» می‌شده. از وقت پروازش تا این سال‌ها یادش همیشه همراه و دستگیر دلم بوده. نکته‌های بسیار در سادگی کلامش بوده که مرا به «طبیعت» و «طبیعت‌آفرین» گره زده است. حتی

فراسو

خوشه چینی در کشتزار سیاست



محمود اشرفی

سایه‌ها اندکی از نیم روز و قامت‌های خمیده سه زن فاصله گرفته است. جست‌وجوی پر بیم خوشه‌های فروافتاده در رد پای دروگرانی که باقه‌های گندم را با خود برده‌اند؛ فضای تیره و غم‌انگیز «تابلو خوشه‌چینان» است. هنگامی که در نیمه قرن ۱۹ «ژان فرانسیس میله» تابلوی «خوشه‌چینان» را به نمایش گذاشت، ذهن گروهی در رویاهای رو ماتیک و داستان‌های عهد عتیق و خوشه‌چینی «روث موابیه» در کرانه‌های غربی رود اردن؛ پرسه زد اما این اثر «میله» تصویری واقع‌گرایانه از نظام فئودالی حاکم بر فرانسه در نیمه قرن نوزدهم بود. نظام زمین‌داری بزرگ و تیول‌نشینتی تا سال‌ها پس از قرون وسطی در اروپا و آسیا دوم باقت‌اما آرام‌آرام در تندباص صنعت فرو ریخت و در میانه فرادستان و فرودستان جوامع بشری، گروهی از مردمان به نام «طبقه متوسط» پدیدار شد. طبقه متوسط دهایی رشد پیوسته و شتابان فناوری، گسترش و رشد فزاینده‌ای دارد. جمعیت طبقه متوسط جهان در آسیا و اروپا با شتاب در حال افزایش است. در سال ۲۰۰۹ جمعیت طبقه متوسط جهان یک‌میلیارد و ۸۰۰میلیون‌نفر بوده است.

ماجراهای من و پسرم

ای کاش دفنش می‌کردیم



شهاب‌الدین طباطبایی

خواننده ماجراهای ادامه‌دار من و پسرم هستید. هفته گذشته «چارلی» همسر خوش آب و رنگی که «سپهر» خیلی زود به او دل بسته شده بود، مرد. یاد پیچی‌هایمان افتادم. آن وقت‌ها پدر بزرگم مرحوم جوجه‌هایی را که هر سال اول تابستان می‌خریدیم روزهای آخر شهریور سر می‌بردیم، ما هم تا چند وقت بغض می‌کردیم و عزاداری و... برادرم غیر از بغض و عزاداری، به نشانه اعتراض، بیل و شن کش پلاستیکی‌اش را از پله‌های راهرویی که به خانه پدربزرگ می‌رسید آویزان می‌کرد. اینها چند روزی در اهتزاز بود. قاصیل و آشنایان که می‌آمدند از ماجرای بیل و شن‌کش می‌پرسیدند و برادرم با قیافه‌حق به جاب و مظلوم با آب و تاب جنایت پدربزرگ را برایشان تعریف می‌کرد، آن وقت پدربزرگ دست برادرم را می‌گرفت و می‌فگفتد خرید. از فرای آن روز بیل و شن‌کش هم پایین می‌آمد. پدربزرگ می‌دانست که باید باج بدهد. برادرم هم بعد از اولین تابستان دیگرمی‌دانست که پدربزرگ باید باج بدهد. سپهر سراغ دفتر یادداشتش را گرفت. هر وقت از چیزی ناراحت یا



فیروزه مظفری
firoozeh.mozaffari@gmail.com



بیبقی

نوه مر موز «رضاقلی‌خان»



داریوش معمار

اگر اقرار باشد گوشه‌ای از ایران را بیستر تولد دوران‌سازان ادبیات جدید معرفی کنیم، ماژندران به سبب نام‌های «چما پوشیح» و «صادق هدایت» پیشگام است، این دو هنرمند

که یکی آغازی بر شعرنو فارسی است و دیگری پیشگام داستان‌نویسی نوین و مؤثرترین نویسنده ایرانی قرن اخیر به شمار می‌رود، اصالتی ماژندرانی دارند، یکی متولد ماژندران است و دیگری از نتایج رضا قلی‌خان هدایت هزارجریبی طبرستانی است.

«ناستن تاریخ تولدم به درد چه کسی می‌خورد؟... این توضیحات همیشه مرا به یاد بازار چارپایان می‌اندازد که یابوی پیری را در معرض فروش می‌گازند و برای جلب مشتری

به صدای بلند جزئیاتی از سنن و خصایل و عیویش نقل می‌کنند» این کلمات بخشی از خود زندگینامه نوشت رقت که بخوانید می‌سوساک و سایر کارهای قبل از خواب.

خودم که بچه بودم و از چیزی ناراحت می‌شدم دوست داشتم به حال خودم باشم و کسی کاری به کارم نداشته باشد، راستش الان هم که مثلاً بزرگ‌تر شده‌ام همین‌طورم.

چیزی نگفتم و برای مسواک و سایر کارهای قبل از خواب

هم اصرار نکردم. کنجکاو بودم نوشته‌اش را ببینم. هنوز می‌دانست که باید باج بدهد. برادرم هم بعد از اولین تابستان

کنارش نشستم، دست‌هایش را گرفتم، منتظر بودم بخوابد

و نوشته‌اش را بخوانم. ادامه دارد

انتشار جلد چهارم «نمایشنامه‌های شاعر»

ایسنا: جلد چهارم «نمایشنامه‌های شاعر» اثر «احمدرضا احمدی» منتشر شد. جلد چهارم از این آثار با عنوان «نمایشنامه‌های شاعر ۴: نیمکت آبی‌رنگ در انتهای دریا و ضیافتی مجلل» از سوی نشر قطره به چاپ رسیده است. پیش‌تر سه جلد از این مجموعه منتشر شده بود. همچنین اخیراً به قلم این شاعر پیشکسوت، دوره‌هفت‌جلدی «فترهای واپسین» از سوی نشر کتاب نیکا منتشر شده است.احمدرضا احمدی، زاده ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۹ در کرمان است.

از هر نظری‌ضرر

دو خبر بی‌ضرر



پوری‌ا عالمی

- امروز دوتا خبر داریم.

خبر اول

خلاف کردی باید بخوابی**نیمت تو پار کینگ**

باشگاه خبرنگاران پلیس خبر داد: براساس درخواست‌های مردمی پیشنهاد شده تا عوامل تولید فیلم و سریال‌هایی که قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را در متن فیلم رعایت نمی‌کنند برای تخلف انجام داده جریمه شوند.

سوال

ما همیشه سوال داشتیم که چرا درخواست‌های مردمی درخواست ما و اطرافیان و هم‌محل‌ها و همکاران و همشهری‌ها و هم‌چیزهای دیگرمان نیست، یعنی تا حالا نشده سوار تاکسی و اتوبوس و مترو شویم و یکی بگوید من خودجوشم و کاملاً برای خودم می‌جوشم. یا من درخواست‌های مردمی داشتم.

دیالوگ

مقام مسوول: شما توی فیلمت خلاف کردی. باید ماشین رو بخوابونیم.

بازگرم: ببخشید! ولی ماشین اجازه بود پس دادیم.

مقام مسوول: پس باید ... چی‌رو بخوابونیم؟

بازگرم: ببخشید! پس مدیرتولید چی؟ چرا ماشین اون رو؟...

مدیرتولید: نه بابا، من تذکر دادم دارند خلاف می‌کنند. برید کار گردان، ماشینش رو، بخوابونید.

کارگردان: اوهوکی، اگه راست می‌گید برید تهیه‌کننده، ماشینش رو بخوابونید.

تهیه‌کننده: من که الان رفتم فرنگ بیزنس. ایران نیستم که...

مقام مسوول: پس مجبوریم فیلم رو بخوابونیم.

نتیجه: یک بهانه دیگر برای توقیف فیلم‌ها و خوابیدن سینما اختراع شد.

خبر دوم

رد شدن از صدر

صدر در خصوص رصلاحیتش گفت: سوءتفاهم شده. به نظر ما این وضعیتیه که ساخت پل-صدر دارد و هفته‌ای یکبار می‌ریزد سر مردم، طبیعی است که صدر را رصلاحیت کنند.

تذکر سردبیر: آقای عالمی، این صدر با آن صدر فرق دارد. این صدر دکتر است، آن صدر پل. این صدر را می‌زنند که نبایش را دور بزنند. این صدر می‌خواهد در انتخابات نظام پرشکی شرکت کند که هر چند وقت یکبار یک عکس در حال لبخند بگیرد.

توضیح من: دیدگه بدتر.

نوشتن در سایه انقلاب مصر

در زمینه سیاست

به سبک خودم می‌نویسم

ترجمه: مریم حیدری

● این ماه (ژانویه)، ماه آغاز انقلاب‌ها و جنبش‌های اخیر در کشورهای عربی است. یک سال از وقوع این انقلاب‌ها می‌گذرد. در این ستون، می‌خواهیم بدانیم نویسندگان عرب در هر یک از کشورهایی که در آنها جنبش یا انقلاب صورت گرفته، چه می‌کنند؟ آیا اصلاً می‌نویسند؟ چه می‌نویسند؟ آیا در زمینه‌های تخصصی امی خودشان در دوره پیش از انقلاب می‌نویسند یا به نوشتار سیاسی روی آورده‌اند؟

مصر – اهداف سویف-رمان‌نویس

اهداف سویف، رمان‌نویس مشهور مصری است که از ۱۲ سال پیش، جهان رمان را ترک کرده و آخرین رمانش «قشقه عشق» در سال ۱۹۹۹ منتشر شد. سویف، بر دوری خود از نوشتن در حوزه ادبیات تأکید می‌کند و می‌گوید: «به نظر من، در سایه وضعیت کنونی سیاست در مصر، دوری از ادبیات، مساله‌ای طبیعی است، وقتی عاشق کسی می‌شوی و بعد می‌بینی که احساس و رفتارش تغییر کرده و کسانی دارند سعی می‌کنند ویرانش کنند، باید با هر شیوه‌ای و در سطحی که باشد، برای بازگرداندنش به حالت سابق، تلاش کنی. من نسبت به مصر، چنین احساسی دارم و همین، باعث شده که به نوشتن مقاله سیاسی روی بیاورم.»

اهداف سویف در روزنامه «گواردین» لندن و در «الشروق» قاهره می‌نویسد، مقاله‌هایش، سبکی ویژه و عمقی خاص دارند که یادآور سبک روایت‌گری در رمان‌های او، «در عین شمن»، «زبور زندگی» و «هی‌زن ماسه‌ها»ست. سویف اعتقاد دارد: «هوسنده» می‌تواند سبکش را به نوشتن مقاله سیاسی هم منتقل و به این صورت، به نوشتار سیاسی، عمق بخشد. من در زمینه سیاست هم به سبک خودم می‌نویسم. پیش از انقلاب، مشغول کار روی یک پروژه ادبی بودم، اما وقوع انقلاب در مصر و حوادث پس از آن، باعث شد که ناتمام بماند» این ستون هر روز منتشر می‌شود



عکاس‌خانه

بخواب دختر کم؛ زلزله فقط حرف است



عکاس: جلال شمس‌آذران

متولد سال ۱۳۵۰ تبریز. کار عکاسی را از سال ۱۳۷۴ شروع کرده است و در چندین نمایشگاه داخلی و خارجی شرکت کرده. یک عکاس مستند اجتماعی است و موادخام عکس‌هایش اجتماع، مردم و اشیا هستند. شمس‌آذران درباره نوع نگاهش به عکاسی می‌گوید: «حساس می‌کنم همیشه بین اشیا و انسان‌ها یک رابطه استعاری پیچیدهای وجود

دارد که یک عکس خوب می‌تواند این رابطه را رو کند یا به آن شخصیت شاعرانه و شهودی ببخشد. یک نگاه عادت‌مند هرگز نمی‌تواند این رابطه را کشف کند. من موضوع‌ها و ایده‌هایم را از دنیای پیرامونم و آدم‌ها و اشیا و هر آنچه که با من و حواس پنج‌گانه‌ام در ارتباط هستند به عاریت می‌گیرم و شخصیت روانی خودم و آنچه که مربوط است به روح زمان و مکانی که در آن زندگی می‌کنم را با این موضوعات پیوند می‌دهم.» شمس‌آذران از برگزیدگان جایزه شید است. او درباره «بازماندگان زلزله آذربایجان» اش گفته است: «باوجود کمک‌های مردمی و دولتی، نگرانی‌های بعد از اولین دقایق زلزله در این منطقه به چشم می‌آید. این مجموعه نیم‌نگاهی دارد به اضطراب و تنش‌های روانی بازماندگان زلزله در مواجهه با آینده.»